

## Exploration of the Caspian Sea treaties from the perspective of oil and gas resources

### Abstract

oil and gas resources are of great economic importance between countries. Also, the exploitation of these resources has always been a matter of national sovereignty and the countries of the world do not easily waive their rights in this regard. Focus on the Caspian Sea, and on the other hand, the difficulties in determining the final task of the legal regime of the lake, the issue of ownership of oil and gas resources has also affected. Many disagreements over the legal regime of the Caspian Sea led to numerous negotiations in the years following the collapse of the Soviet Union, and the leaders of the Caspian littoral states ratified the twentieth session of the Convention on the Legal Regime of the Caspian Sea, known as the Aktau Convention. The question of the present study is whether there is a provision in the treaties related to the Caspian Sea and especially the Aktau Convention regarding the ownership and exploitation of oil and gas resources or not? In response to this question, it should be briefly stated that there is no explicit provision regarding the resources below the seabed in the Caspian Sea treaties.

**Keywords:** Caspian oil and gas, Caspian treaties, Aktau Convention.

## واکاوی معاهدات دریای خزر با تأکید بر منابع نفت و گاز

سهیل اصغر زاده<sup>۱</sup> - عبدالکریم شاحیدر<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

### چکیده

منابع نفت و گاز در سطح بین‌الملل از لحاظ اقتصادی دارای اهمیت فراوانی بین کشورهاست. همچنین بهره‌برداری از این منابع همواره جنبه اعمال حاکمیت ملی داشته و کشورهای جهان به راحتی از حقوق خود در این زمینه چشم‌پوشی نمی‌کنند. وجود منابع نفت و گاز در حال بهره‌برداری کشور ما در مناطق جنوبی سبب شده که توجه کمتری نسبت به منابع موجود در پهنه آبی خزر معطوف گردد و از سوی دیگر دشواری‌های موجود در تعیین تکلیف نهایی رژیم حقوقی این دریاچه، مسئله مالکیت منابع نفت و گاز آن را نیز تحت تأثیر قرار داده است. اختلاف نظرهای فراوان در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر کشورهای این حوزه را به سوی مذاکرات متعدد در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی سوق داده و سران کشورهای حاشیه دریای خزر در اجلاس بیستم کنوانسیون در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر تصویب کردند که به‌عنوان کنوانسیون آکتائو شناخته می‌شود. سؤال تحقیق حاضر این است که آیا در معاهدات مربوط به دریای خزر و خصوصاً کنوانسیون آکتائو حکمی در خصوص مالکیت و نحوه بهره‌برداری منابع نفت و گاز وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش به‌طور اجمال باید گفت حکم صریحی نسبت به منابع زیر بستر دریا در معاهدات دریای خزر وجود ندارد. مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

**واژگان کلیدی:** نفت و گاز دریای خزر، معاهدات دریای خزر، کنوانسیون آکتائو.

وفق ماده ۳۸ اساس نامه دیوان بین‌المللی دادگستری معاهدات از منابع حقوق بین‌الملل و شاید بتوان گفت مهم‌ترین منبع حقوق بین‌الملل شناخته شده‌اند و جهت یافتن حکم قضایا در حقوق بین‌الملل ناگزیر از مراجعه به این منبع هستیم. در خصوص موضوع تحقیق یعنی تعیین تکلیف مالکیت منابع نفت و گاز دریای خزر می‌توان دودسته معاهدات را مدنظر داشت: اول معاهدات عام حقوق بین‌الملل و دوم معاهدات خاص در زمینه پهنه آبی خزر. در ابتدا باید قابلیت انطباق احکام موجود در معاهدات عام حقوق دریاهای (کنوانسیون ۱۹۸۲) نسبت به دریای خزر مورد مطالعه قرار گیرد از این رو باید بینیم آیا این پهنه آبی که به دریا معروف است از لحاظ مقررات حقوق بین‌الملل چه ماهیتی خواهد داشت و متعاقباً چه احکامی بر آن بار می‌گردد. چنانچه خزر را دریا بدانیم قواعد مرتبط با مناطق دریایی مندرج در کنوانسیون حقوق دریاهای نسبت به آن مجری خواهد بود و در غیر این صورت چنانچه تعریفی غیر از دریا بر آن منطبق باشد، این توافق کشورهای حاشیه است که نحوه بهره‌برداری و میزان مالکیت بر منابع زیر بستر دریا را تعیین خواهد کرد. لذا بدو تعریفی اجمالی از دریای بسته و نیم‌بسته و دریاچه در منابع حقوق بین‌الملل ارائه شده و سپس انطباق این تعاریف با وضعیت دریای خزر را بررسی می‌کنیم. در بخش بعد و در خصوص معاهدات خاص دریای خزر چند معاهده وجود دارد که معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مهم‌ترین این معاهدات است اما مشکل اساسی در استناد به این معاهدات فروپاشی یکی از طرفین آن یعنی اتحاد جماهیر شوروی و بحث جانشینی کشورهای استقلال یافته از این کشور است.

از این رو در تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری با اسناد کتابخانه‌ای به مطالعه معاهدات موصوف پرداخته و ضمن بررسی الزام کشورهای حاشیه دریای خزر نسبت به این معاهدات به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا در معاهدات مربوط به دریای خزر و خصوصاً کنوانسیون آکتائو حکمی در خصوص مالکیت و نحوه بهره‌برداری منابع نفت و گاز وجود دارد یا خیر؟ لذا به لحاظ تاریخی ابتدا معاهدات پیش از فروپاشی شوروی مورد مطالعه قرار گرفته و الزامات و نواقص آن مطرح گردید و سپس اعتبار یا بی‌اعتباری این معاهدات پس از فروپاشی شوروی از منظر حقوق بین‌الملل بررسی شده است و در نهایت سایر نشست‌ها و اعلامیه‌های سران کشورهای حاشیه دریای خزر که در سال‌های اخیر اتفاق افتاده را ارائه خواهیم کرد. در نهایت با توجه به امضای کنوانسیون آکتائو در مرداد ۱۳۹۷ ابتدا مراحل مقدماتی تا دستیابی به توافق و سپس مواد این کنوانسیون در ارتباط با موضوع منابع نفت و گاز مورد تدقیق قرار گرفته است و نظر به اهمیت اعلامیه تفسیری کنوانسیون در خصوص اعلام مواضع کشور ما در ارتباط با منابع نفت و گاز این اعلامیه تفسیری نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱- معاهدات عام

در دایره المعارف بریتانیکا دریاچه<sup>۱</sup> چنین تعریف شده است که پهنه‌ای از آب شور یا شیرین که اندازه قابل توجهی دارد و توسط خشکی احاطه شده است و با دریای آزاد ارتباط نداشته باشد. در ادامه آمده است که معیار مشخصی برای تمیز دریاچه از برکه و مرداب نیست و تنها ممکن است از لحاظ اندازه بزرگ‌تر باشند. شوری آب که گاهی از سوی جغرافیدانان و

<sup>۱</sup>Lake

دکترین حقوق بین الملل به عنوان معیار تفکیک دریا از دریاچه در نظر گرفته می‌شد از سوی نویسندگان معاصر رد شده است. در عوض سطح آب آن‌ها که بالاتر یا پایین تر و به هر حال متفاوت از سطح دریاست مدنظر قرار گرفته است. (Britanica encyclopedia). اولین بار (سلدن) حقوق دان انگلیسی در سال ۱۶۳۵ مفهوم دریای بسته را در خصوص دریاهای متصل به قلمروی بریتانیا و جزئی از آن پادشاهی طرح نموده است. حقوق دانان روسی به دلیل ارتباط مرزهای این کشور به دریای سیاه و دریای خزر در ایجاد مفهوم دریای بسته نقش فراوانی ایفا کرده‌اند. مارتنس<sup>۱</sup> حقوق دان روسی در ۱۹۰۴ دریای خزر را به عنوان یک دریای بسته تعریف کرده<sup>۲</sup> و این اقدامات نشانه تلاش روس‌ها در ایجاد نظامی خاص و متفاوت از دریاهای آزاد در خصوص این منطقه است (ممتاز، ۱۳۹۶: ۶۴). در سایر منابع می‌توان به طور کلی تقسیم‌بندی نویسندگان روسی از دریاهای بسته را در سه دسته زیر بیان کرد: ۱- دریایی که بدون پیوند با دریای دیگر به وسیله سرزمین دو یا چند کشور فراگرفته شده باشد. مثل دریای خزر. ۲- دریایی که به وسیله یک یا چند تنگه باریک، که رژیم آن تابع یک کنوانسیون بین‌المللی باشد و به دیگر دریاها بستگی داشته و در عین حال به وسیله شمار محدودی از کشورها فراگرفته شده باشد، مانند دریای سیاه و بالتیک. ۳- دریایی که به وسیله دو یا چند کشور فراگرفته شده، ولی رژیم آن توسط کنوانسیون بین‌المللی تنظیم نشده باشد، مانند دریای ژاپن (افشار، ۱۳۸۶: ۱۵۲). با توجه به وضعیت جغرافیایی پهنه آبی خزر نزدیک‌ترین عنوانی که در کنوانسیون ۱۹۸۲ به این پهنه آبی وجود دارد، عنوان دریای بسته یا نیم‌بسته است. نظر به شمول مقررات حقوق دریاهای نسبت دریاهای بسته و نیم‌بسته، کلیه اقدامات صورت گرفته دولت‌ها در این منطقه باید تابع مقررات حقوق دریاهای بسته و بنابراین مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ در خصوص تقسیم مناطق دریایی و تحدید حدود نیز در آن اعمال خواهد شد (شریعت باقری، ۱۳۹۰: ۱۳۵). بخش نهم کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ به دریای بسته و نیم‌بسته اختصاص دارد و ماده ۱۲۲ این کنوانسیون دریای بسته یا نیمه بسته را این گونه تعریف کرده است: «یک خلیج، حوزه آبی یا دریا که توسط دو یا چند کشور احاطه گردیده و به وسیله یک راه خروجی آبی باریک به یک دریای دیگر یا اقیانوس متصل شده یا تماماً یا اساساً از دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی دو یا چند کشور ساحلی تشکیل شده است»<sup>۳</sup>. تعریف ارائه شده از سوی کنوانسیون با وضعیت جغرافیایی دریای خزر منطبق نیست زیرا گرچه این پهنه آبی بین ایران و سایر کشورهای حاشیه، محصور است اما متصل به دریا یا اقیانوس دیگری نیست؛ و عنصر جغرافیایی لازم یعنی اتصال به دریای آزاد یا اقیانوس دیگر از طریق آبراه بین‌المللی که در ماده ۱۲۲ کنوانسیون منعکس شده را ندارد. لذا شامل منطقه انحصاری اقتصادی یا دریای سرزمینی کشورها به معنای حقوق دریاهای نمی‌گردد و نه دریای بسته است و نه نیم‌بسته. (شاحیدر، ۱۳۹۱: ۵۶). به علاوه هنگام تدوین کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ ایران و شوروی در وین حضوری فعال داشتند اما هیچ کدام در مواضع رسمی و غیررسمی خود خزر را دریا اعلام نکردند تا مشمول کنوانسیون شود و به طور ضمنی نیز عملی خلاف این موضوع انجام ندادند. (تقوی

<sup>1</sup> Martens

<sup>2</sup> United nations See: Rustam F Mamedov, International legal status of Caspian sea, (The Turkish year book vol xxx), p116, quoted from: F.F. Martens, (modern International law of civil nations, vol I, 5 thed, St Petersburg, 1904). convention on the low of the sea, Article 122.

<sup>3</sup> United nations convention on the low of the sea, Article 122.

اصل، ۱۳۸۷: ۶۴) به نظر می‌رسد قصد این دو کشور خروج عمدی خزر از شمول کنوانسیون ۱۹۸۲ و باقی ماندن آن به‌عنوان دریاچه مختص به دو طرف بوده است.

چنانچه به رویه کشورهای ساحلی مراجعه شود روح حاکم بر تمام قراردادهای منعقدہ پیش از فروپاشی شوروی خزر را دریاچه و تحت نظام مجزا از دریاهای آزاد دانسته‌اند؛ و نیز ایران و روسیه در بیانیه ۱۹۹۵ در تهران خزر را آبگیری منحصر به فرد خوانده‌اند (س. زون، ۱۳۸۵: ۲۹۷ و ۲۸۱). در قانون فلات قاره ایران مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۳۴، خزر به‌عنوان دریای بسته اعلام شد (که منظور دریاچه محاط خشکی و خارج از شمول کنوانسیون حقوق دریاهاست) و در قوانین داخلی شوروی هم چنین است. کشورهای تازه استقلال یافته نیز در اعلامیه آلماتی به‌صراحت خزر را دریاچه اعلام کردند. (نادر نیک‌نامی، ۱۳۸۱: ۱۲۰). حقوق دان و دیپلمات روس فیورمارتینس یکی از اولین نظرات در چهارچوب حقوق بین‌الملل را در مورد خزر اظهار داشت. «برخلاف دریاهای آزاد، دریاهایی که نه تنها محاط در قلمرو یک دولت‌اند بلکه به هیچ آب آزادی مرتبط نیستند باید در جایگاه دیگری قرار گیرند. این‌ها دریاهای بسته هستند و تحت کنترل و حاکمیت کشورهای که اطرافشان هستند قرار می‌گیرند. بر این اساس دریای خزر نیز دریای بسته است گرچه میان سواحل ایران و روسیه قرار دارد...» (F. Mamedov, 1994: 385) [البته با توجه به موضع‌گیری دولت متبوع نویسنده به نظر می‌رسد با بیان واژه دریای بسته همان پهنه آبی محاط در خشکی را مدنظر داشته است]. حقوق‌دانانی که سعی دارند دریای خزر را تحت شمول مقررات کنوانسیون حقوق دریاها درآوردند استدلال کرده‌اند که کانال ولگا-دن که از خاک روسیه دریای خزر را به دریای سیاه وصل می‌کند آبراه بین‌المللی است که تعریف مندرج در ماده ۱۲۲ کنوانسیون را پوشش می‌دهد؛ اما دریای خزر دریا نیست بلکه دریاچه است چون هیچ‌گونه راه آب طبیعی به دریا و اقیانوس‌ها ندارد. کانال‌هایی که روسیه برای وصل کردن رودخانه ولگا-دن به دریای سیاه کنده است، به هیچ‌رو آبراه شمرده نمی‌شود و نمی‌توان حوضچه آبی خزر را یک دریا به شمار آورد و نظام حقوقی دریا را بر آن حاکم گرداند. (شاحیدر، ۱۳۹۱: ۵۸). همچنین کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر ماده ۲۶ از پیش‌نویس کنوانسیون ۱۹۵۶ حقوق دریاها، بخش دوم- دریاهای آزاد- چنین گفته است: بعضی از پهنه‌های آبی که کاملاً با خشکی محاط شده‌اند به‌عنوان دریاچه و بقیه به‌عنوان دریا شناخته می‌شوند. نوع اخیر شامل دریاهای داخلی‌اند که در موردشان رژیم دریاهای آزاد قابل اعمال نیست. چنانچه این پهنه‌های آبی با دریای آزاد از طریق یک تنگه یا بازویی از آب مرتبط باشند و این آبراه متعلق به یک کشور باشد باز دریای داخلی محسوب می‌شوند اما اگر متعلق به چند کشور باشد تحت شمول رژیم دریاهای آزادند (Year book of international law commission, 1956: 277-8) لذا ملاحظه می‌گردد کانال ولگا-دن به این دلیل که داخل کشور روسیه و مصنوعی است، آبراه بین‌المللی محسوب نمی‌گردد. از لحاظ جغرافیایی در یک سو، خزر مثل تمام دریاچه‌ها، محاط در خشکی است و صرف‌نظر از رودها با مجموعه آبی دیگری در ارتباط نیست و از سوی دیگر برخلاف اکثر دریاچه‌ها، خزر با چند کشور هم‌مرز است؛ بزرگ‌ترین پهنه آبی محاط در خشکی است و در اندازه، عمق و شوری آب با دریاهای نیم‌بسته قابل مقایسه است (H. Oxman, 1996: 33). گذشته از تعاریف جغرافیایی و میزان شوری یا عمق آب و وسعت بسیار زیاد دریای خزر که آن را از سایر دریاچه‌های جهان متمایز کرده است؛ به نظر می‌رسد از نظر حقوق بین‌الملل دریاها، این پهنه آبی منطبق با مفهوم دریاچه مرزی است که بین چند کشور قرار گرفته است.

وضعیت دریاچه‌های بین‌المللی [از لحاظ مالکیت منابع و رژیم حقوقی حاکم] موضوعی است که صرفاً به دولت‌های ساحلی آن‌ها مربوط می‌شود و هیچ رژیم یکپارچه‌ای در خصوص وضعیت حقوقی دریاچه‌های جهان به کار نمی‌رود و رژیم حقوقی آن‌ها توسط توافق دولت‌های ساحلی تأسیس، اصلاح و جایگزین خواهد شد (جمشید ممتاز، ۱۳۸۰: ۱۰). با عنایت به موارد مطروحه در بالا، کنوانسیون ۱۹۸۲ در خصوص دریای خزر قابل‌اعمال نیست اما اصل همکاری که در ماده ۱۲۳ بیان شده است، اصلی است که به حقوق عرفی تعلق دارد و لذا تمام دولت‌های ساحلی را متعهد و ملزم می‌سازد تا بر مبنای روحیه همکاری و اجماع عمل کنند (شاحیدر، ۱۳۹۱: ۵۶). همچنین مواد ۸۳ و ۷۴ این کنوانسیون مربوط به مواردی است که کشورهای عضو، دچار مسئله تعیین سهم نسبت به منابعی می‌شوند که به‌طور قطع متعلق به یکی از کشورها نیست؛ لذا با اخذ وحدت ملاک از این مواد می‌توان گفت کشورها ملزم به اتخاذ تدابیری هستند که طی آن توافق همه طرفین حاصل شده و به راه‌حل عادلانه دست یابند.

## ۲- معاهدات خاص دریای خزر

در ارتباط با دریای خزر چند معاهده وجود دارد که معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مهم‌ترین این معاهدات است اما مشکل اساسی در استناد به این معاهدات فروپاشی یکی از طرفین آن یعنی اتحاد جماهیر شوروی و بحث جانمایی کشورهای استقلال‌یافته است. هدف این است که دریایم آیا قواعدی در معاهدات وجود دارد که به‌موجب آن، کشورهای حاشیه دریای خزر ملزم به استفاده مشترک از منابع باشند؟ از آنجا که وزارت خارجه ایران در اعلامیه تفسیری کنوانسیون آکتائو به مقررات این دو عهدنامه اشاره کرده است لذا می‌توان گفت موضع ایران تسری مفاد این دو عهدنامه بر روابط کشورها است.

از لحاظ تاریخی دو عهدنامه استعماری گلستان و ترکمان‌چای که با پیروزی روسیه تزاری در جنگ‌های ایران و روس در واقع به دولت قاجار تحمیل شده بود؛ بخشی را به دریای خزر اختصاص داده بودند و طبق فصل پنجم از عهدنامه گلستان و فصل هشتم از عهدنامه ترکمان‌چای که مقرراتی مشابه داشتند حق کشتی‌رانی نظامی از ایران سلب و این حق به‌طور اختصاصی به روسیه اعطاشده بود و در خصوص کشتی‌رانی بازرگانی طرفین از حق برابر برخوردار بودند (صراف یزدی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۳). در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ معاهده مودت بین ایران و شوروی به امضاء رسید که طی آن کلیه قراردادهای استعماری سابق ملغی شد. بر اساس فصل یازدهم این قرارداد حق داشتن نیروی دریایی که سابقاً از ایران سلب شده بود مجدداً احیا شد و طرفین به تساوی از حق کشتی‌رانی و نظامی بهره می‌بردند (احمدرضا، توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۱۴) در ۱۹۲۷ عهدنامه ماهیگیری بین ایران و شوروی به‌منظور عادی‌سازی روابطشان پس از جنگ جهانی اول منعقد می‌گردد. زمینه ایجاد این معاهده اختلاف بود و وجود آمده سر امتیازی بود که دولت ایران به یک تبعه روس در مورد ماهیگیری در سواحل جنوبی خزر داده بود و پس از موعد آن در ۱۹۲۵ حاضر به تمدیدش نبود. روسیه برای جلوگیری از دخالت انگلستان زمینه‌های انعقاد این قرارداد را فراهم کرد. طبق این عهدنامه یک شرکت مختلط روسی- ایرانی به بهره‌برداری مشترک از منابع خزر پرداختند و طرفین بهره‌برداری مشترک را نیز تجربه کردند. در اکتبر ۱۹۲۷ نیز عهدنامه امنیت و بی‌طرفی بین طرفین امضاء شد. در فاصله دو جنگ جهانی روسیه به دلیل جلوگیری از گسترش نفوذ آلمان در ایران سیاست توسعه مناسبات را در پیش گرفت و نتیجه‌اش معاهدات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۵ است (مدنی، ۱۳۸۱: ۷۵). قرارداد ۱۹۳۵ بعداً توسط قراردادی در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ تکمیل شد که قرارداد بازرگانی و دریانوردی است و حق کشتی‌رانی تجاری و نظامی همچنین حق ماهیگیری را برای کشتی‌های ایرانی و

روسی محفوظ داشته است. این قراردادها از تردد کشتی با پرچمی غیر از پرچم ایران و شوروی جلوگیری کرده و نیز اتباع کشورهای ثالث را از حضور در نیروی دریایی دو کشور و انجام وظیفه به عنوان کارکنان بندرها منع می کند. به علاوه حق آزادی ماهیگیری در خزر به جز ۱۰ مایل ساحلی کشورها از موارد موجود در این قرارداد است (Gafouri, 2008: 85).

ایران و شوروی در سال ۱۹۵۴ موافقتنامه‌ای برای حل مسائل مرزی و مالی امضاء کردند که طی آن کمیسیون مختلط از دو کشور مامور انجام تحدید حدود مرزها شدند. کار کمیسیون در ۱۹۵۵ پایان یافت و در ماه می ۱۹۵۷ موافقتنامه‌ای به امضای طرفین رسید. این موافقتنامه مربوط به مرزهای خشکی است که در شرق خزر از خلیج حسین قلی تا مرز دو کشور با افغانستان و در غرب از مصب آستاراچای تا مرز دو کشور با ترکیه می باشد. این قرارداد در خصوص دریای خزر به کلی ساکت است گرچه تکلیف رودخانه‌های مرزی را روشن کرده است اندک مدتی پس از تصویب عهدنامه مرزی قراردادهایی میان دو دولت در خصوص استفاده مشترک از آبهای ارس و اترک به امضاء رسید (موحد، ۱۳۸۱: ۱۸). همانطور که ملاحظه می شود در این پیمانها هیچ قاعده حقوقی مشخص و روشنی مربوط به حاکمیت در این دریا وضع نشده است و هیچ مرزی در سطح دریا یا بستر آن معین نشده است این نکته مشهود است که طرفین علاقه‌ای به تصریح وضعیت حقوقی خزر نداشته و ترجیح می دادند که به صورت سوی جنریس<sup>۱</sup> [به معنی وضعیتی منحصر به فرد و اختصاصی] باقی بماند (F.Mamedov, 1994: 125) همچنین در مورد بهره‌برداری از منابع بستر و زیر بستر دریای خزر اشاره روشنی در این معاهدات نیست، که بی گمان به دلیل مطرح نبودن چنین منافعی در آن زمان بوده است (صراف یزدی، ۱۳۸۶: ۴۵)؛ و نیز از مسئله تحقیقات علمی دریایی، اکتشافات و حفاری نفتی در مناطق نزدیک به ساحل ذکری به میان نیامده است؛ اما علی رغم عدم اشاره صریح نسبت به مشترک بودن دریای خزر می توان به روح این معاهدات در راستای کشف قصد طرفین به استفاده مشترک تمسک جست. فصل یازدهم قرارداد ۱۹۲۱ که حق کشتیرانی را به سویه به طرفین داده بیانگر حاکمیت اصل تساوی بر روابط دو کشور دریای خزر است. این تساوی در کلیه موضوعات به چشم می خورد و هر جا حقوقی از ایران تضییع شده در این عهدنامه تأکید بر تساوی حقوق شده است. مثل فصل شانزدهم که قضاوت کنسولی را لغو می کند و به حقوق مساوی شهروندان ایرانی در روسیه تأکید شده، این مطالب نشاندهنده روح حاکم بر قرارداد است که حاکی از تساوی است (ملک زاده ۱۳۸۶). در قرارداد ۱۹۴۰ غیر از نوار ده مایلی حق صید ماهی در بقیه دریا به طور مساوی به کشورها داده شده. باید روح کلی عهدنامه را از همین حق ماهیگیری و کشتیرانی استنتاج کرد و به نظر می رسد که تساوی حقوق دو کشور دریا موردنظر است و این عهدنامه هم از خزر به عنوان دریای ایران- شوروی یاد می کنند. فصل سوم عهدنامه ۱۹۲۱ مقرر می دارد طرفین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آبهای مرزی بهره مند خواهند شد. آبهای سرحدی در این فصل نمی تواند غیر از دریای خزر باشد که باید به نحو مساوی از آن بهره مند شوند (مدنی، ۱۳۸۱: ۷۶). همچنین باید توجه داشت که در تفسیر معاهدات علاوه بر متن اصلی آن‌ها از اسناد ضمیمه یا موخر بر معاهدات نیز استفاده می شود تا بتوان منظور طرفین را بهتر درک کرد. در این زمینه اساتید حقوق بین الملل به اسناد مختلفی اشاره کرده اند از آن جمله: سندی است که

<sup>1</sup>Sui generic

کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی در اول اکتبر ۱۹۲۷ در مورد تزیین بندرانزلی ارسال داشته. دربند ۲ این نامه چنین آمده است: «دولت اتحاد جماهیر شوروی از دولت علییه ایران خواهش می کند که منفعت مشترک بحر خزر را که منحصرأ دریای ایران و شوروی میباشد ... در نظر گرفته، در مدت ۲۵ سال جزء مستخدمین بندر، از اتباع غیرایرانی نداشته باشد.» این سند به صراحت خزر را منفعت مشترک انحصاری ایران و شوروی می داند و یکی از قوی ترین اسنادی است که می توان به آن استناد کرد (ملک زاده ۱۳۸۶). سند دیگری که دکتر ممتاز به آن استناد می کند نامه های رد و بدل شده میان وزیر امور خارجه ایران و سفیر شوروی در تهران پس از انعقاد موافقت نامه ۲۵ مارس ۱۹۴۰ می باشد، این نامه ها به دریای خزر به عنوان دریای ایران - شوروی اشاره می کنند. در این نامه روشن نشده که منظور از دریای ایران - شوروی چیست ولی از مفاد مربوط به موافقت نامه چنین استناد می شود که طرفین قصد تقسیم دریا میان دو کشور را نداشته اند. در عوض حاکمیت مشترک و مالکیت اشتراکی را ترجیح داده اند. (جمشید ممتاز، ۱۳۸۰: ۱۳). گسترش اعتبار معاهدات پیش گفته نسبت به همه کشورهای ساحلی سبب می شود که تا زمان تأسیس یک رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر، موافقت نامه های موجود یک چارچوب معقول برای اعمال حقوق و اجرای تکالیف دولت های ساحلی بدست دهد و میتواند از ادعاها و اعمال یک جانبه، [به خصوص در مورد منابع نفت و گاز] جلوگیری کند. (طلایی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). بر همین اساس فدراسیون روسیه در یادداشتی که در اعتراض به اعمال یکجانبه آذربایجان در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۴ به وزیر امور خارجه آذربایجان تسلیم شد دریای خزر را منطقه آبی بین قاره ای بسته ای توصیف کرد که همواره توسط دول ساحلی مشترکاً بهره برداری شده و این استدلال را بر معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ استوار کرد و افزود جز منطقه ۱۰ مایلی انحصاری هیچ کشوری بر بقیه دریا نمی تواند اعمال حاکمیت کند (جمشید ممتاز، ۱۳۸۶: ۶۶). در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۵، فدراسیون روسیه به طور رسمی موضع خود را به سازمان ملل اعلام کرد. روسیه تأکید نموده که تا [حصول] یک موافقت نامه جدید از سوی دولت های ساحلی، موافقت نامه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی، دارای اعتبارند. این کشور پذیرفته است که تغییرات جدید در حالی که شامل دولت های ساحلی نوین می شوند، نیاز به تأسیس رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر دارند. به هر حال روسیه مدعی است مقررات ویژه موافقت نامه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ م می توانند در تنظیم موافقت نامه های جدید استفاده گردند (طلایی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). جمهوری های آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان معتقدند که معاهدات مذکور بی اعتبارند و به استناد قاعده لوح پاک قابل تسری به آنها نیست. این ادعا از دو جهت مردود است، اولاً: این قاعده (لوح پاک) مربوط به کشورهای استقلال یافته از استعمار می باشد. ثانیاً: طبق کنوانسیون وین ۱۹۷۸ چنانچه کشورهای جانشین اعلامیه استمرار تعهدات را امضاء کنند دیگر معاهدات در مورد آنها مجراست. در این مورد اصول جانشینی شوروی در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ در آلمانی مشخص شد که این کشورها کلیه تعهدات شوروی را بر عهده گرفتند و این اعلامیه مبنی بر حفظ پیوندهای حقوقی بین المللی شوروی بود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۶۶). از سوی دیگر معاهدات مذکور حاوی مفاد مرزی است و رژیم سرزمینی خاص را مقرر داشته است و بنابر این جزء معاهدات سرزمینی (عینی) محسوب می شود، کمیسیون حقوق بین الملل در تفسیر حقوقی جانشینی دولتها در معاهدات اعلام کرد که معاهدات دارای ماهیت سرزمینی، چه در دکتین سنتی و چه دیدگاه مدرن از قاعده جانشینی دولتها تأثیر نمی پذیرد و دیوان بین المللی دادگستری متن ماده معاهده ۱۹۷۸ وین را که اشاره به اصل فوق دارد جزء قواعد حقوق بین الملل

عرفی معرفی کرده است. در نتیجه کشورهای غیر متعاقد که در مورد ما کشورهای حاشیه خزر هستند نیز موظف به رعایت آن هستند. (جمشید ممتاز، ۱۳۸۰: ۱۲). در مورد تغییر اوضاع و احوال چنانچه طرف پس از آگاهی از تغییر همچنان آن معاهده را معجزا بداند که در مورد خزر اعلامیه های مینسک و آلماتی موجود است. موظف به رعایت تعهدات بر آمده از معاهده می باشد.<sup>۱</sup> گذشته از این ادعای کشورهای استقلال یافته در مورد تغییر اوضاع پذیرفته نیست زیرا جانشینی بر معاهده تابع نظام حقوقی خاصی است که طبق ماده ۷۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در زمینه حقوق معاهدات، خارج از شمول آن کنوانسیون و تابع کنوانسیون ۱۹۷۸ است و چون تغییر بنیادین اوضاع و احوال به عنوان یکی از موجبات اختتام یا تعلیق اجرای معاهدات طبق کنوانسیون ۱۹۶۹ می باشد، لذا استناد به آن موضوعیت ندارد. گذشته از این تغییر اوضاع و احوال در مورد طرفی که نقشی در این تغییر نداشته نباید مؤثر باشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۶۶). همانطور که ملاحظه شد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در خصوص منابع زیر بستر دریای خزر حکم صریحی ندارند و تنها به مسئله کشتی رانی و ماهیگیری میپردازند. البته علت عمده این امر، این است که در زمان انعقاد معاهدات موصوف بحث منابع زیرزمینی مطرح نبود و به همین دلیل طرفین نسبت به آن سکوت کردند؛ اما با توجه به اینکه مفاد معاهدات در خصوص مودت و همکاری طرفین بوده و به دریای خزر نیز تسری داده شده به نظر می رسد هر دو طرف قصد همکاری و پرهیز از استفاده یک جانبه نسبت به منابع دریای خزر را داشته اند. این استنتاج با ملاحظه مواضع رسمی روسیه در اکتبر ۱۹۹۵ که طی آن به استفاده یک جانبه سایر کشورها اعتراض و بر بقای معاهدات سابق تأکید کرد، تقویت میشود. متعاقب عدم تعیین تکلیف در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر کشورهای حاشیه این دریاچه در بخش شمالی اقدام به انعقاد موافقت نامه هایی جهت تحدید حدود بستر دریا و بهره برداری از ذخایر آن به طور دو یا سه جانبه نمودند. از این جمله موافقت کشورهای روسیه و قزاقستان در جولای ۱۹۹۸ است که بیانیه مشترک روسای جمهور دو کشور راجع به همکاری در خصوص دریای خزر مورخ ۹ اکتبر ۲۰۰۰ در آستانه (نورسلطان) منعکس کننده این توافق بود؛ و پروتکل اجرایی و نقشه ضمیمه آن در ۲۰۰۲ تنظیم شد. در نوامبر ۲۰۰۱ روسای جمهور قزاقستان و جمهوری آذربایجان موافقت نامه تقسیم بستر دریا امضا کردند. جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۲ موافقت نامه تحدید حدود بستر مناطق مرکزی دریای خزر را با مسکو امضا کرد. با توجه به این توافقات دو جانبه سه کشور نامبرده در ماه می ۲۰۰۳ در تحدید حدود بخش های شمالی دریای خزر توافقی سه جانبه منعقد نمودند. ملاحظه می گردد که کلیه این توافقات بدون حضور ایران و ترکمنستان صورت گرفته و موضع کشور ما در این خصوص به درستی حاکی از عدم تائید این توافقات می باشد (مجتبی دمیرچلو، ۱۳۸۶: ۳۱)؛ اما در بخش جنوبی دریای خزر اختلاف کشورها در خصوص میادین نفتی مانع شکل گیری توافقات دو جانبه و سه جانبه شده است از جمله این اختلافات مباحث مالکیت میدان های نفتی چراغ، آذری و کپز (که در ترکمنستان به ترتیب عثمان، عمر و سردار نامیده می شوند) بین کشورهای آذربایجان و ترکمنستان و میدان البرز (در

<sup>۱</sup> اعلامیه آلما آتا، تصریح می دارد که دولت های مشارکت کننده در جامعه کشورهای مشترک المنافع بر طبق رویه قانون اساسی خود اجرای تعهدات بین المللی ناشی از معاهدات و موافقت نامه های منعقد شده توسط اتحاد جماهیر شوروی را تضمین می کنند Annex II of the UN Document



جمهوری آذربایجان آلو) بین کشورهای ایران و آذربایجان است. در سال ۹۷ ایران و آذربایجان مذاکراتی در خصوص میدان البرز داشته اند و تفاهم همکاری نیز در این زمینه حاصل شده است.

### ۳- کنوانسیون آکتائو

آنچنان که ملاحظه شد عدم تبعیت کشورهای حاشیه دریای خزر از معاهدات سابق بین ایران و شوروی و همچنین اهمیت مسائل این دریا پنج کشور موصوف را در تمام این سالها واداشته است که به فکر ایجاد رژیم حقوقی جامع در خصوص مسائل مطروحه دریای خزر باشند و از همین رو مذاکرات مختلف و در سطوح چهارگانه ذیل آغاز شد؛ سطح اجلاس سران، سطح وزرای امور خارجه کشورها، کارگروه‌های ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر (معاونین وزرای خارجه) و کارشناسیاجلاس های تخصصی راجع به موضوعات تخصصی از جمله شیلات و محیطزیست و نظامی. به طور کلی از آغاز دهه ۹۰ میلادی ۵۱ اجلاس جهت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر تشکیل شده که ۵ اجلاس در سطح سران کشورها بوده است؛ که نهایتاً در اجلاس پنجم کنوانسیون آکتائو مورد امضا قرار گرفت. در این بخش ابتدا پیشینه مذاکرات پنج کشور پس از فروپاشی شوروی و سپس تحلیل نسبت به متن کنوانسیون در خصوص تعیین تکلیف منابع نفت و گاز و در انتها اعلامیه تفسیری ایران را بررسی خواهیم کرد.

#### ۳-۱- پیشینه مذاکرات

در حاشیه اجلاس سران آکو در ایران در ۱۹۹۰ اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر برگزار شد. حاضران این اجلاس رئیس جمهور ایران، رئیس جمهور ترکمنستان، کفیل ریاست جمهوری آذربایجان، معاون اول وزیر قزاقستان و سفیر روسیه در تهران بودند. بیانیه صادره در این اجلاس بر لزوم تشکیل سازمان همکاری دولتهای ساحلی دریای خزر تأکید داشت و کمیته های پنج گانه زیر را جهت همکاری پیش بینی کرده بود: کمیته رژیم حقوقی دریای خزر، کمیته تحقیقاتی علمی و کنترل نوسانات آب دریای خزر، کمیته حمل و نقل، کمیته ماهیگیری تحت عنوان کمیته منابع بیولوژیک دریای خزر، کمیته حفاظت محیطزیست دریای خزر. بعداً کمیته های اقتصادی و حقوقی و سازمان خبرگزاری کشورهای ساحلی خزر نیز تشکیل شد. سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر به دلیل مخالفت آذربایجان تشکیل نشد و فعالیت کمیته ها به جز کمیته حقوقی، موکول به حل مسئله رژیم حقوقی شد و سازمان خبرگزاری به دلیل خروج اعضا منحل گشت (مجتبی دمیرچلو، ۱۳۸۶: ۲۹). دو اجلاس در سال ۱۹۹۳ در رشت و سپس در آستاراخان برگزار شد که ادعای تقسیم منابع دریا توسط آذربایجان و ادعای تقسیم آب و استفاده مشترک منابع از سوی قزاقستان سبب شد که این اجلاسها به توافق ختم نگردند. در وهله ی بعد قزاقستان دریای خزر را دریای نیمه بسته خواند که بهره برداری از آن باید بر اساس قواعد حقوق دریاها صورت پذیرد و ربطی به توافق کشورها ندارد؛ اما آذربایجان قائل به این توصیف نبوده و خزر را دریاچه ای مرزی دانست که باید بر اساس توافق دولتهای ساحلی تحدید حدود گردد. روسیه و ایران با استناد به معاهدات قبلی ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ که اعتبار آن توسط همه ی طرفها ابقا شده بود با این پیشنهادها مخالفت کرده و معتقد به استفاده مشترک از دریا بودند. (محمدجواد شریعت باقری، ۱۳۹۰: ۱۴۱). کمیته حقوقی در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ میلادی دو اجلاس در سطح مدیران کل حقوقی وزرات خارجه کشورهای حاشیه دریای خزر برگزار کرد که موفق نبود و تصمیم به ارتقای سطح گروه به معاونان

وزرای امور خارجه کشورها گرفته شد. این گروه که بر اساس بیانیه اجلاس وزرا (گروه ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر) نام گرفت، موظف به تدوین این کنوانسیون بر اساس اتفاق آرا بود. (مجتبی دمیرچلو، ۱۳۸۶: ۳۰)

اولین نشست سران پنج کشور حاشیه دریای خزر در آوریل ۲۰۰۲ در عشق آباد برگزار شد که هر یک از طرفین بر مواضع خود پافشاری کرده و مواضع مخالف هم داشتند که در پایان هیچ بیانیه‌ای امضا نشد و ترکمنستان نیز اعلام کرد که حاضر به تقسیم دریا بر اساس تقسیمات اداری شوروی سابق است (محمدجواد شریعت باقری، ۱۳۹۰: ۱۴۵) در حاشیه این اجلاس در خصوص آلودگی‌های محیط‌زیست این دریا و نیز راهکارهای حفاظت از منابع آبی در حد کلیات بحث شده بود. به علاوه این کشورها زمینه امضای کنوانسیون محیط‌زیست خزر موسوم به (سند تهران) را فراهم کردند که در تاریخ پنجم نوامبر ۲۰۰۳ در تهران به امضای وزرای محیط‌زیست کشورهای ساحلی خزر رسید (نجمه قاعدی زاده، ۱۳۹۶: ۱۹) سند تهران اولین سند حقوقی در مورد دریای خزر است که به تأیید نهایی مجلس هر پنج کشور حاشیه‌ای دریا رسیده و به مرحله اجرا درآمده است. از دیگر مسائل مورد مذاکره در این نشست اصول کلی ماهیگیری، حفاظت از آبزیان و حمل و نقل و کشتی رانی بود.

تهران در سال ۲۰۰۷ میزبان دومین نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر بود که بیانیه‌ای ۱۵ ماده‌ای در خصوص همکاری‌های امنیتی و نظامی جهت مبارزه علیه افراط‌گرایی و تروریسم حاصل این نشست است. بند ۵ این سند تأکیدی است بر حقوق حاکم انحصاری ۵ کشور ساحلی و کشورها در بند ۶ ضرورت تعیین رژیم حقوقی این دریا با توافق کلیه طرف‌ها و در قالب یک کنوانسیون که به اتفاق آرا تصویب گردد را مورد تأکید قرار داده‌اند. در این اعلامیه اشاره‌ای به رژیم حقوقی مشاع یا معاهدات سابق ایران و شوروی و همچنین محکومیت اقدامات یک‌جانبه در بهره‌برداری از منابع بستر و زیر بستر دریای خزر نشده است (محمدجواد شریعت باقری، ۱۳۹۰: ۱۴۵). سال ۲۰۱۱ در باکو سومین نشست سران کشورهای حاشیه دریا برگزار شد و پیمان همکاری‌های امنیتی و نظامی به‌عنوان دومین سند حقوقی مرتبط با دریای خزر در همین نشست به امضای طرفین رسیده است. چهارمین اجلاس سران کشورهای حاشیه دریای خزر در روسیه و شهر آستارا خان در سال ۲۰۱۴ برگزار شد. در این نشست، سه موافقت‌نامه همکاری در زمینه (حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع آبی) (آب و هواشناسی) و (پیشگیری و واکنش به وضعیت اضطراری) با حضور سران (از جمله وزرای کشور، راه و شهرسازی و همچنین مسئول محیط‌زیست) پنج کشور ساحلی ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به امضا رسید. علاوه بر امضای سه موافقت‌نامه توسط وزرای مربوطه و نیز صدور بیانیه مشترک توسط سران پنج کشور ساحلی دریای خزر حاوی چارچوب سیاسی ادامه مذاکرات و همکاری‌های ۵ کشور در این نشست عرض (محدوده) منطقه آب‌های سرزمینی تحت حاکمیت ملی ۱۵ مایل دریایی و عرض منطقه انحصاری ماهیگیری ۱۰ مایل (مجموعاً ۲۵ مایل) برای هر کشور ساحلی و مابقی دریا به‌عنوان (پهنه مشترک) تعیین شد که بین ۵ کشور مشترک خواهد بود. از دیگر موارد بسیار مهم توافق، تصویب ممنوعیت حضور نیروهای نظامی کشورهای غیر ساحلی دریای خزر بود. در این اجلاس کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر نهایی نشد و بر ضرورت ادامه مذاکرات کارشناسی و معاونین وزرای امور خارجه پنج کشور و برگزاری اجلاس پنجم سران در قزاقستان تأکید شد.

### ۳-۲- مواد مرتبط کنوانسیون

در ۲۱ مردادماه سال ۹۷ اجلاس پنجم سران کشورهای حاشیه دریای خزر در آکتائو منجر به امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر شد. در بادی نظر این کنوانسیون که حاصل تلاش بیش از ۲۰ ساله کشورهای حاشیه دریای خزر در خصوص تعیین رژیم حقوقی آن است، می‌باید مشکلات عمده مربوط به این دریا از جمله بحث منابع نفت و گاز و مالکیت هر یک از کشورها نسبت به آن را حل کرده باشد و دیگر اختلاف و بحثی باقی نماند؛ اما با نگاهی اجمالی مشخص می‌گردد که این گونه نیست لذا در اینجا با مراجعه به مواد کنوانسیون و بیانیه مشترک کشورهای امضاکننده کنوانسیون و نیز بیانات مسئولین دستگاه دیپلماسی کشور بررسی می‌گردد که آیا کنوانسیون حاضر در خصوص منابع نفت و گاز و سهم کشورها تعیین تکلیف کرده است یا خیر؟ در رابطه با موضوع مقاله بدو مواد کنوانسیون برداشت حقوقی از این مواد ارائه شده و سپس بیانات و سخنان مقامات کشور که بلافاصله پس از امضای کنوانسیون در رسانه‌های منعکس شده مورد استفاده قرار گرفته است. در خصوص مناطق مختلف دریایی کنوانسیون آکتائو رژیمی منحصر به فرد را ارائه کرده است. ماده ۵ کنوانسیون چنین می‌گوید: «منطقه آبی دریای خزر به آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی، مناطق ماهیگیری و پهنه دریایی مشترک تقسیم می‌شود.» به موجب این ماده و مواد ۶ و ۷ سطح و ستون آب از بستر و زیر بستر آن جدا شده است؛ آن بخش از سطح و ستون آب که پشت خط مبدأ تا خشکی قرار می‌گیرند (آب‌های داخلی) است سپس به میزان ۱۵ مایل دریایی از خط مبدأ به سمت بیرون (آب‌های سرزمینی) قرار دارد که تحت حاکمیت کشور ساحلی بوده و بعد از آن تا ۱۰ مایل دریایی (منطقه ماهیگیری) مستقر است و باقی مانده آب‌های دریا (پهنه مشترک دریایی) است که هر پنج کشور به طور برابر از آن بهره می‌برند (ساسان صیرفی، ۱۳۹۹: ۲۷۸).

به موجب ماده ۶ آب‌های داخلی و سرزمینی از لحاظ سطح و بستر و زیر بستر تحت حاکمیت کشور ساحلی است و منطقه باریکه ماهیگیری ۱۰ مایل پس از دریای سرزمینی موضوع حق انحصاری برداشت منابع زنده آبی است. برداشت از منابع زنده منطقه مشترک به موجب بندهای ۳ تا ۵ ماده ۹ کنوانسیون و نیز (موافقت‌نامه حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر مصوب ۲۰۱۴) انجام می‌گیرد. کنوانسیون در خصوص تحدید حدود آب‌های داخلی و دریای سرزمینی کشورهای مقابل و مجاور و نیز تعیین حدود مناطق ماهیگیری این کشورها، توافق بین کشورها و رعایت اصول و موازین حقوق بین‌الملل را در بند ۳ ماده ۷ و بند ۱ ماده ۹ تجویز کرده است. کشورهای ساحلی آزادی دریانوردی و تحقیقات علمی در پهنه مشترک را دارند و به طور برابر مجاز به بهره‌برداری از منابع آبی این منطقه هستند (ساسان صیرفی، ۱۳۹۹: ۲۷۹). آن‌چنان که ملاحظه می‌گردد به اجرا درآمدن این رژیم حقوقی خاص و تعیین هر یک از مناطق دریایی منوط به توافق کشورها بر ترسیم خط مبدأ است؛ و در ماده یک، خط مبدأ را خطی متشکل از خطوط مبدأ عادی و مستقیم دانسته است. در ادامه این ماده آمده: «روش تعیین خطوط مبدأ مستقیم باید در موافقت‌نامه جداگانه‌ای بین همه طرف‌ها تعیین شود، چنانچه شکل ساحل، یک کشور ساحلی را در تعیین آب‌های داخلی اش آشکارا در وضعیت نامساعدی قرار دهد، این وضعیت هنگام ایجاد روش فوق به منظور دستیابی به تفاهم میان تمامی طرف‌ها مدنظر قرار خواهد گرفت» که مقامات ایرانی این قسمت از ماده یک را در واقع امتیاز در نظر گرفته شده کنوانسیون برای وضعیت خاص ایران می‌دانند؛ در این خصوص اظهار نظر رئیس‌جمهور و وزیر خارجه ایران در خصوص مواد کنوانسیون از قرار زیر است: رئیس‌جمهور ایران حسن روحانی

جهت بیان مواضع کشورمان پس از امضای کنوانسیون بیان کرد: «با توجه به وضعیت سواحل جمهوری اسلامی ایران، روشن است که هدف از بند سوم از بخش مربوط به تعریف خطوط مبدأ مستقیم در ماده یک این کنوانسیون توجه به وضعیت ویژه سواحل ایران است. البته این کنوانسیون تصریح دارد که روش تعیین و ترسیم خطوط مبدأ مستقیم باید در یک موافقت‌نامه جداگانه میان همه طرف‌های ذی‌ربط کنوانسیون معین شود.» محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران با اشاره به بند سوم از بخش مربوط به تعریف خطوط مبدأ مستقیم چنین گفته است: «این بند به وضعیت ساحل جمهوری اسلامی ایران دریای خزر اشاره دارد و هدف از نگارش این بند، مدنظر قرار دادن و توجه به وضعیت ویژه ایران بوده است. به‌علاوه، همان‌گونه که در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر تصریح شده است، روش تعیین (ترسیم) خطوط مبدأ مستقیم باید در یک موافقت‌نامه جداگانه میان همه طرف‌های ذی‌ربط کنوانسیون معین شود» (دنیای اقتصاد: ۹۷/۵/۲۲).

بیانیه مشترک این اجلاس، تهیه پیش‌نویس موافقت‌نامه مربوط به خط مبدأ کشورها را به شش ماه بعد موکول نموده «روسای جمهور تصمیم گرفتند سازوکار رایزنی‌های منظم پنج‌جانبه به سرپرستی وزارت خانه‌های امور خارجه در سطح معاونین وزرای امور خارجه، نمایندگان دارای اختیار کشورهای ساحلی خزر به‌منظور اجرای مؤثر کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر و بررسی ابعاد مختلف همکاری‌ها در خزر ایجاد شود و اولین رایزنی‌های آن حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ امضای کنوانسیون برگزار گردد. به‌عنوان اولین اولویت، مقرر گردید تهیه و توافق پیش‌نویس موافقت‌نامه مربوط به روش تعیین خطوط مبدأ مستقیم شروع شود». در بیانیه مشترک اشاره‌ای به موضوع منابع طبیعی نشده است و عمده مباحث در خصوص امضای پروتکل‌های حمل و نقل، پیش‌گیری از حوادث دریایی، مبارزه با تروریسم، محیط‌زیست و غیره است تنها در بخشی از این بیانیه اشاره‌ای مختصر به حفاظت از منابع مشترک شده است که به نظر می‌رسد بیشتر به منابع جاندار اشاره دارد تا منابع زیر بستر؛ در متن بیانیه چنین آمده است: «روسای جمهور با خرسندی شروع کار کمیسیون بین دولت‌ها در زمینه حفظ و استفاده بهینه منابع زنده آبی و مدیریت ذخایر مشترک را خاطر نشان نمودند. این کار موجب اجرای مجموعه اقدامات مربوط به بازسازی و حفظ ذخایر مشترک دریای خزر می‌گردد». آنچه از بیانات مسئولین مستقیم دیپلماسی برمی‌آید تأکید ایشان بر عدم تقسیم دریا و نیز عدم تعیین تکلیف در خصوص منابع بستر و زیر بستر است در این خصوص آقای روحانی به‌عنوان دومین سخنران مواضع و دیدگاه‌های تهران را در کاخ دوستی در قزاقستان بیان نمود: و به مفاد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی سابق اشاره و تأکید کرد: «در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، محدوده بستر و زیر بستر هنوز تعیین نشده است و این امر متعاقباً طی توافق میان طرف‌های ذی‌ربط انجام خواهد شد. منابع انرژی خدادادی دریای خزر به مردم کشورهای ساحلی آن تعلق دارد. یگانه راه‌حل برای ممانعت از بروز هرگونه اختلاف در مناطق تحدید حدود نشده، این است که یا کشورها از این منابع به‌صورت مشترک بهره‌برداری کنند یا از اکتشاف و بهره‌برداری در این مناطق به‌صورت یک‌جانبه پرهیز کنند. (دنیای اقتصاد، ۹۷/۵/۲۲). بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه عنوان داشته: «موضوع تقسیم خزر بین کشورها و تعیین خط مبدأ و تقسیم بستر و زیر بستر در این کنوانسیون مطرح نیست؛ چراکه سواحل خزر از پیچیدگی‌هایی برخوردار است که نیازمند گفت‌وگوهای کارشناسی بیشتر است که امیدواریم در آینده با تفاهم و توافق هر پنج کشور نتایج مطلوب حاصل شود.» (پیشین). این ابهامات و نظرات مختلف حتی وزیر امور خارجه را نیز به مجلس کشاند و ایشان در

مردادماه سال ۹۸ و در پاسخ به نمایندگان سؤال کننده در خصوص مفاد کنوانسیون در مجلس گفت: «ما در این کنوانسیون توانستیم بندی را بگنجانیم که دیگران نمی‌توانند خط مبدأ را بر اساس توافقات زمان شوروی سابق به اجرا برسانند. به‌غیراز این نکته که تضمینی برای تأمین منافع ما است، هیچ تصمیم‌گیری درباره بستر و زیر بستر یا پهنه دریای خزر شکل نگرفته و آنچه در کنوانسیون حقوقی مورد توافق قرار گرفته، ترکیبات زیست‌محیطی و کشتیرانی، تعیین حدودی که بعد از تأیید خط مبدأ صورت می‌گیرد، منظور شده است.» (خبرگزاری تسنیم: ۹۸/۵/۷). رضا نظر آهاری نماینده ویژه ایران در امور دریای خزر نیز در همین خصوص اظهار داشت که کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر به‌منزله قانون اساسی دریای خزر است و در آن حقوق، تکالیف و تعهدات کشورهای ساحلی در موضوعات مختلف مربوط به این دریا مشخص شده است. به برخی از موضوعات در کنوانسیون به دلیل گستردگی آن، صرفاً به اصول و چارچوب همکاری اشاره شده و برای اجرای دقیق آن نیازمند موافقت‌نامه‌های جداگانه و تخصصی است. باید به این موضوع اشاره و تأکید کنم که با امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، مسائل و موضوعات این دریا به پایان نرسیده و بلکه برعکس، پس از تصویب و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون، تازه شروع کار و اجرای مفاد آن است. یعنی برای اجرای این کنوانسیون ما به توافقات با کشورهای ساحلی برای تعیین مناطق سطح دریا و همچنین به توافقات دوجانبه با جمهوری آذربایجان و ترکمنستان برای تحدید حدود بستر و زیر بستر نیاز داریم. پس مشاهده می‌کنید کارهای اصلی در خزر هنوز باقی مانده است.» (روزنامه شرق: ۱۳۹۸/۷/۲۵). دکتر جمشید ممتاز که در خصوص کنوانسیون طرف مشاوره وزارت خارجه ایران بود در خصوص منابع بستر و زیر بستر در کنوانسیون چنین نظری ارائه کرد: «آنچه در آینده مهم است منابعی است که سهم کشور می‌شود. حال ممکن است این منابع در محدوده ۱۲ و یا ۱۸ درصدی باشد و یا ممکن است که این ۱۸ و ۱۲ درصد فاقد منابع باشند؛ اما مسئله مهم آن است که تمام مذاکراتی که در مورد تحدید حدود بستر و زیر بستر انجام می‌گیرد نحوه دسترسی به منابع موجود در آن‌هاست؛ اما در مورد تحدید حدود بستر و زیر بستر دریای خزر در این مذاکرات هیچ‌گونه توافقی صورت نگرفته و این مسئله به آینده و مذاکرات بین دولت‌ها موکول شده است؛ ما در بستر و زیر بستر از حقوق حاکمیت برخوردار نیستیم بلکه از حقوق حاکم برای بهره‌برداری از منابع آن‌ها برخوردار هستیم، در مذاکرات تحدید حدود دولت‌های مذاکره‌کننده باید به منابع موجود توجه داشته باشند نه اینکه چند درصد سهم آن‌ها می‌شود.» (ایسنا، ۹۷/۵/۲۲).

با تدقیق در مواد کنوانسیون ملاحظه می‌گردد در سه قسمت از بستر و زیر بستر دریا صحبت شده است اول در ماده ۶ کنوانسیون است که عنوان داشته کشورها نسبت به منابع بستر و زیر بستر آب‌های سرزمینی خود حاکمیت دارند. همان‌طور که عرض شد این آب‌های سرزمینی زمانی تعیین حدود می‌گردد که خط مبدأ ترسیم شود که تاکنون این مهم صورت نگرفته است. علاوه بر آن، قسمت ۱۰ ماده ۱ در تعریف (بخش) می‌گوید «قسمت‌هایی از بستر و زیر بستر است که به‌منظور بهره‌برداری از منابع زیر بستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی مشروع مرتبط با توسعه منابع بستر و زیر بستر بین طرف‌ها تعیین حدود شده است.» و بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون بیان می‌دارد: «تعیین حدود بستر و زیر بستر دریای خزر به بخش‌ها باید از طریق توافق بین کشورهای با سواحل مجاور و مقابل، با در نظر گرفتن اصول و موازین عموماً شناخته شده حقوق بین‌الملل به‌منظور قادر ساختن آن دولت‌ها به اعمال حقوق حاکم خود در بهره‌برداری از منابع زیر بستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی مشروع

مرتبط با توسعه منابع بستر و زیر بستر انجام شود.» لذا به موجب بند ۱۰ ماده ۱ کنوانسیون و نیز ماده ۸ آن بستر دریا باید به طور کامل بین کشورها تقسیم شود یعنی بعد از بستر و زیر بستر آب‌های داخلی و سرزمینی هر کشوری دارای قسمت اختصاصی بستر و زیر بستر است که بخش نامیده می‌شود و نسبت به منابع طبیعی آن حقوق حاکم خواهد داشت. (ساسان صیرفی، ۱۳۹۹: ۲۷۸). در این قسمت نیز کنوانسیون علی‌رغم تصمیم‌گیری در خصوص تقسیم بستر و زیر بستر دریا به بخش‌های اختصاصی، عملی و اجرایی شدن این تقسیمات را منوط به توافق کشورهای ساحلی نموده و شاید تأکید مقامات عالی‌رتبه ایران نیز اشاره به این موضوع دارد که تا توافق نهایی صورت نگیرد می‌توان هر شیوه‌ای را دست‌مایه مذاکرات قرار داد. جهت جمع‌بندی این بند قدرمتیقن کنوانسیون آکنائو این است که توافق کشورها جهت تعیین تکلیف منابع بستر و زیر بستر دریا را ضروری دانسته بنابراین نمی‌توان حکم صریحی در خصوص مالکیت منابع بستر و زیر بستر دریا از آن استخراج نمود. در حال حاضر نیز این کنوانسیون هنوز لازم‌الاجرا نشده است زیرا کنوانسیون زمانی لازم‌الاجرا می‌شود که در پارلمان کشورهای عضو تصویب شود. ماده ۲۲ کنوانسیون می‌گوید: «این کنوانسیون منوط به تصویب است. اسناد تصویب نزد جمهوری قزاقستان که به‌عنوان امین کنوانسیون عمل می‌کند، تودیع خواهد شد. این کنوانسیون در تاریخ دریافت پنجمین سند تصویب توسط امین، لازم‌الاجرا خواهد شد؛» و نیز ماده ۲۳ کنوانسیون آورده است که: «امین باید تاریخ تودیع هر سند تصویب، تاریخ لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون و تاریخ لازم‌الاجرا شدن اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های آن را به اطلاع طرف‌ها برساند. این کنوانسیون باید طبق ماده ۱۰۲ منشور سازمان ملل متحد توسط امین به ثبت برسد».

### ۳-۳- اعلامیه تفسیری

همان‌طور که ملاحظه شد در کنوانسیون آکنائو کشورهای حاشیه دریای خزر بحث تقسیم بستر و زیر بستر و متعاقباً مالکیت بر منابع نفت و گاز این پهنه آبی را به مذاکرات و توافقات آتی موقوف کردند و در واقع مواد کنوانسیون حکمی در این خصوص ارائه نداده است اما با ارجاع به تعدادی از مواد از جمله ماده ۸ این کنوانسیون عده‌ای از تحلیل‌گران و حتی افکار عمومی بر این باورند که بحث تقسیم زیر بستر دریا در همین کنوانسیون تعیین تکلیف شده و دستگاه دیپلماسی ایران در این خصوص کشور را دچار خسارت کرده است. گذشته از مواردی که در بالا عرض شد هم‌زمان با امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر توسط سران پنج کشور ساحلی این دریا، محمدجواد ظریف، با ارسال نامه‌ای رسمی به همتایان روسی، قزاقستانی، آذربایجانی و ترکمنستانی خود، اعلامیه تفسیری جمهوری اسلامی ایران در مورد این کنوانسیون را ارائه داد که اهم مفاد آن از سایت ریاست جمهوری نقل می‌گردد:

جمهوری اسلامی ایران مقررات و مفاد مربوطه قرارداد ۱۹۲۱ میان ایران و جمهوری سوسیالیست فدراتیو روسیه و همچنین قرارداد ۱۹۴۰ بازرگانی و بحریمایی میان ایران و اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی را یادآوری و خاطرنشان می‌کند. در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، محدوده بستر و زیر بستر تعیین نشده است؛ این کار می‌بایستی متعاقباً و طی توافق میان طرف‌های ذی‌ربط انجام شود (President, 1397).

بند سوم از بخش مربوط به تعریف خطوط مبدأ مستقیم در ماده یک کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر به وضعیت ساحل جمهوری اسلامی ایران دریای خزر اشاره دارد و هدف از نگارش این بند، مدنظر قرار دادن و توجه به وضعیت ویژه ایران

بوده است. به علاوه، همان گونه که در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر تصریح شده است، روش تعیین (ترسیم) خطوط مبدأ مستقیم بایستی در یک موافقت نامه جداگانه میان همه طرف های ذی ربط کنوانسیون معین گردد» حال اثر حقوقی این اعلامیه چیست و آیا می توان با تمسک به اعلامیه صادره نتیجه ای به جز آنچه از مواد کنوانسیون به دست می آید را در راستای منافع کشور کسب کرد؟ علی الاصول اعلامیه تفسیری تاب چنین آثاری را دارد یا خیر؟ معاهدات در بین کشورها جهت اجرا وضع می شوند و معمولاً به دلیل عدم امکان پیش بینی تمام زوایای عملی و عینی موضوع معاهده در زمان وضع آن، در موقع اجرا کشورها دست به تفسیر معاهده می زنند و بدین وسیله دامنه شمول و نکات تاریک معاهده روشن می گردد. تفسیر معنای دقیق قاعده از پیش موجود را اعلام می کند و اجرای آن را تسریع و تسهیل می نماید. تفسیر رسمی آن است که توسط واضع قاعده حقوقی انجام گیرد. هر یک از طرف های معاهده با توجه به شخصیت مستقل خود امکان تفسیر آن را دارند که ممکن است این تفسیر از طریق دیپلماتیک و صدور اعلامیه رسمی صورت گیرد [مانند اعلامیه رسمی کشور ما در کنوانسیون آکتائو] اما تفسیر یک جانبه قابلیت استناد در مقابل سایر متعاهدان را ندارد و حتی اگر با سوء نیت همراه باشد می تواند موجب مسئولیت بین الملل کشور تفسیر کننده باشد. در مقابل تفسیر جمعی که بر اساس توافق کلیه طرف های یک معاهده انجام می گیرد تفسیری واقعی تر است که وفق ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین می تواند تفسیر صریح از طریق ایجاد توافق حقوقی جدید یا هم زمان با معاهده یا بر اساس مواد خود معاهده یا تفسیر ضمنی از طریق عملکرد یا رویه همساز طرف های معاهده در حین اجرای آن باشد. (محمد رضا ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۸: ۱۴۰-۱۴۱). در این زمینه، کمیسیون حقوق بین الملل نیز نظر خود را اعلام داشته است. این کمیسیون در گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶، چنین اعلام می دارد: کشورها غالباً به هنگام امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق خود نسبت به معاهده، اعلامیه ای صادر می کنند و در آن، درک خود را از بعضی موضوعات معاهده، که از نظر آن ها مهم است، بیان داشته یا ماده خاصی را تفسیر می کنند. اگر این اعلامیه ماده ای معاهده را مستثنا کند یا تغییر دهد، همان حق شرط است، و گرنه فقط موضع کشور صادر کننده اعلامیه در قبال معاهده را روشن می کند. اعلامیه تفسیری دو نوع کاربرد دارد: اعلامیه صرف که قصدش تفسیر محض است و اعلامیه تفسیری مقید که یک کشور، الحاق یا تصویب معاهده را به قبول تفسیر خاصی از کل معاهده یا بخشی از آن، توسط سایر کشورهای متعاقد، منوط می کند. بعضی از حقوقدانان معتقدند: بین اعلامیه تفسیری صرف و اعلامیه تفسیری مقید باید تمایز قائل شد. چنانچه این تمایز را بپذیریم، یک اعلامیه تفسیری مقید باید به عنوان یک حق شرط به معنای اخص تلقی شود زیرا کشور اعلام کننده قبول معاهده را منوط و مشروط به موافقت ضمنی با تفسیری که به عمل آورده، دانسته است و بدین وسیله، قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تغییر مفاد بیان نموده است (مرتضی الیاسی، ۱۳۸۳: ۷۴). با توجه به شرایط مربوط به لازم الاجرا شدن کنوانسیون که تصویب قوای قانون گذاری کشورهای متعاقد و تحویل اسناد تصویب به امین معاهده را لازمه این امر می داند به نظر اعلامیه تفسیری ایران خالی از فایده نیست زیرا در قدر متیقین به سایر کشورها گوشزد می نماید که موضع کشور ما در تصویب پارلمانی معاهده شرایطی است که در اعلامیه تفسیری بیان نموده و به علاوه شاید بتوان از این طریق اجرای کنوانسیون در عمل را نیز به نحوی هدایت کرد که مطلوب و در راستای منافع ملی باشد.

## نتیجه‌گیری

جهت استخراج حکم قانونی و منطبق با قواعد حقوق بین‌الملل در خصوص منابع نفت و گاز دریای خزر در نوشتار حاضر ابتدا سراغ معاهدات عام و مشخصاً کنوانسیون حقوق دریاها رفتیم اما مشکل اساسی جهت اجرای این کنوانسیون نسبت به پهنه آبی خزر عدم شمول قواعد این کنوانسیون به لحاظ وضعیت جغرافیایی خزر بود و دریافتیم که این پهنه آبی دریاچه‌ای است که امکان اجرای مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در آن وجود ندارد. از این رو و مانند تمام دریاچه‌های مرزی جهان می‌باید قواعد حاکم بر منابع دریاچه را در قراردادهای کشورهای ساحلی جستجو کرد. همان‌طور که بیان شد در معاهدات پیش از فروپاشی شوروی به‌جز مباحث کلی و اشاره به لزوم همکاری دوجانبه در مسائل دریای خزر مبحث دیگری در خصوص منابع زیر بستر دریا وجود نداشته و این امر نیز به دلیل عدم کشف منابع زیر بستر در زمان انعقاد آن معاهدات است؛ اما کنوانسیون آکتائو که متعاقب ۲۰ سال تلاش کشورهای حاشیه دریای خزر بین ۵ کشور حاشیه امضا شده است نیز به دلیل عدم تعیین تکلیف خطوط مبدأ و موقوف کردن آن به توافقات بعدی کشورهای حاشیه بازهم حکمی صریح در خصوص مالکیت منابع نفت و گاز ندارد و علی‌رغم استفاده بعضی از کشورها از این منابع [البته برخلاف حقوق بین‌الملل] بازهم مسئله مالکیت منابع در این پهنه آبی لاینحل باقی مانده و در کنوانسیون مذکور تنها نحوه تعیین مناطق دریایی مشخص شده که در صورت توافق بر سر نحوه ترسیم خطوط مبدأ می‌تواند مالکیت منابع دریای خزر را مشخص کند اما تا پیش از آن همچنان معاهدات دریای خزر فاقد حکم صریح در خصوص منابع نفت و گاز خواهند بود.



## منابع

- اصنافی، محمدرضا (۱۳۸۸)، منابع نفتی دریای خزر، اطلاعات علمی، سال بیست و چهارم، اسفند ۱۳۸۸.
- الیاسی، مرتضی (۱۳۸۳)، حق شرط بر معاهدات بین‌المللی، مجله معرفت، شماره ۸۲، قم، مهر ۱۳۸۳.
- بذار، وحید (۱۳۹۷)، جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، شماره ۲، بهار ۱۳۹۷.
- پور نوری، منصور و محمد حبیبی (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل دریاها: کنوانسیون ۱۹۸۲، تهران: مهد حقوق، چاپ اول.
- توحیدی، احمدرضا (۱۳۸۴)، رژیم حقوقی دریای خزر در معاهدات ۲۱ و ۴۰ ایران و شوروی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- جهانی، فرخزاد (۱۳۹۰)، بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز و تحدید حدود دریایی، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰.
- تقوی اصل، سید عطا (۱۳۸۷)، رژیم حقوقی دریای مازندران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۶، ۲۴۵، خرداد ۱۳۸۷.
- دمیرچلو، مجتبی (۱۳۸۷)، نگاه ایرانی به سیر تحولات رژیم حقوقی دریای خزر، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۱، زمستان و بهار ۱۳۸۷-۱۳۸۶.
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۷)، شماره ۴۳۹۹ مورخ ۹۷/۵/۲۲ شماره خبر ۳۴۲۶۳۷
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۵)، ذخایر واقعی نفت و گاز دریای خزر، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۱۰/۱
- روزنامه فارس (۱۳۹۵)، ذخایر نفت گاز خزر امید کننده آمار اغراق آمیز، روزنامه فارس ۹۵/۸/۲۶
- رام، منصوره (۱۳۸۷)، چشم‌انداز توسعه نفت و گاز خزر و منابع ایران، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۱، بهار ۱۳۸۷.
- س. زون، ایگور (۱۳۸۵)، خزر توهمات و واقعیات، جلد دوم، ترجمه علی شمس فولادی، وزارت نیرو مؤسسه تحقیقات آب مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، ۱۳۸۵.
- شاحیدر، عبدالکریم (۱۳۹۱)، حل اختلافات رژیم حقوقی دریای خزر، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول ۱۳۹۱.
- شریعت باقری، محمدجواد، فرخزاد، جهانی (۱۳۹۰)، تحولات رژیم بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز دریای مازندران، راهبرد، بهار ۱۳۹۰، شماره ۵۸.
- شینر، راجر، سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۳)، حقوق و اخلاق، معرفت، شماره ۸۲، ۱۳۸۳.
- صراف یزدی، غلامرضا (۱۳۸۶)، درباره رژیم حقوقی دریای مازندران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۸۶ - شماره ۲۴۵ و ۲۴۶.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: نشر گنج دانش، چاپ سی و دوم.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳)، حقوق ایران دریای خزر، ماهنامه حافظ، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۸۳.
- طلایی، فرهاد (۱۳۸۳)، رژیم حقوقی دریای خزر، مترجم محمد مهدی کریمی نیا، معرفت، شماره ۸۲، مهر ۱۳۸۳.
- قاعدی زاده، نجمه (۱۳۹۶)، دریای خزر گآ آلود ادعاهای همسایه‌های تازه، اکتشافات و تولیدات نفت و گاز، شماره ۱۳۹۶، ۱۴۶.
- کاشانی، جواد (۱۳۸۷)، وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز واقع در مرز بین کشورها، مقاله (مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹، ۱۳۸۷).

لو، آلن و ویلیام چرچیل (۱۳۸۷)، حقوق دریاها، ترجمه بهمن آقایی دیبا، تهران: گنج دانش، چاپ پنجم.  
مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۱)، ایران در حاشیه! عاملی درباره رژیم حقوقی دریای خزر، زمانه، شماره ۶ و ۵، اسفند ۱۳۸۱.  
مستقیم، بهرام (۱۳۸۴)، حفظ محیط‌زیست دریای خزر، تهران، وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴.  
ملک‌زاده، سعید (۱۳۸۶)، نگرشی تاریخی بر رژیم حقوقی دریای خزر، آفتاب یزد ۱۳۸۶/۱۲/۱۵.  
ممتاز، جمشید (۱۳۸۶)، دشواری‌ها و چشم‌اندازهای نظام حقوقی دریای خزر، مترجم مرتضی صفری، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۲۳ و ۱۲۴، آذر و ۱۳۸۶.

ممتاز، جمشید، سعید میرزایی ینگجه (۱۳۸۰)، رژیم حقوقی دریای خزر: دیدگاه‌های ایران، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پاییز ۸۰

موحد، محمدعلی (۱۳۸۱)، در پیرامون نظام حقوقی دریای خزر، کانون و کلا، شماره ۱۷۷، تابستان ۸۱.  
ناظمی، مهرداد (۱۳۸۱)، دریای خزر و حقوق بین‌الملل، مقاله، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۲۶ و ۲۷، بهار ۱۳۸۱.  
نیک‌نامی، نادر (۱۳۸۱)، رژیم حقوقی دریای خزر و منافع کشورهای ساحلی، اندیشه صادق، شماره ۶ و ۷، بهار ۱۳۸۱.  
سایت ریاست جمهوری (۱۳۹۷/۰۵/۲۱)، اعلامیه تفسیری ایران در خصوص کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر منتشر شد، قابل دسترس در: <http://www.president.ir/fa/105628>

سایت <http://www.cila.ir/Portal/home/?event/267108/267127/282143> visited on 20/4/2020  
سایت خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸/۰۵/۰۷)، ظریف: امضای کنوانسیون حقوقی دریای خزر منوط به مصوبه مجلس است، قابل دسترس در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/05/07/2064689>  
سایت خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۷/۰۵/۲۲)، استاد حقوق بین‌الملل: در تحدید حدود بستر و زیر بستر خزر مهم منابع است نه درصد مالکیت قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/97052211344/>

Award of the Arbitral Tribunal in the First Stage - Territorial Sovereignty and Scope of the Dispute October 9, 1998 and Award of the Arbitral Tribunal in the Second Stage - Maritime Delimitation available at: [www.pcacases.com](http://www.pcacases.com) visited on 2017/8/1

Barbara Kwiatkowska, THE ERITREA/YEMEN ARBITRATION: Landmark Progress In The Acquisition Of Territorial Sovereignty and Equitable Maritime Boundary Delimitation, IBRU Boundary and Security Bulletin, University of Utrecht, The Netherlands 2000.

British petroleum, (2013) Shah Deniz investment decision paves way for Southern Corridor gas link, available at: <https://www.bp.com/en/global/corporate/news-and-insights/press-releases/shah-deniz-final-investment-decision-paves-way.html> visited on 14/7/2018

British petroleum, (2017) Caspian calling: a view of Azerbaijan's oil fields, available at: <https://www.bp.com/en/global/corporate/news-and-insights/bp-magazine/in-photos-azeri-chirag-deepwater-gunashli-oil-fields-azerbaijan.html> visited on 20/6/2018

Division for ocean affairs and the law of the sea office of legal affairs, digest of international cases on the law of the sea, united nation, new york, 2006. (internet version).

- EIA,(2013), Overview of oil and natural gas in the Caspian Sea region, available at: <https://www.eia.gov/beta/international/regions-topics.php?RegionTopicID=CSR> visited on 14/7/2018
- Guyana-surinam award of the arbitral tribunal,the hague, 17 september 2007,pages 27-33. Available at:[www.pca.cpa.org](http://www.pca.cpa.org),visited on 12/10/2017.
- H.oxman, B (1996), Caspian sea or lake, (Caspian cross roads magazine volum1, Issue No.4 winter 1996.)
- International Energy Agency Working Paper Series,December 2008,available at: [www.asiacentral.es/docs/caspian\\_perspectives\\_iea\\_dec08.pdf](http://www.asiacentral.es/docs/caspian_perspectives_iea_dec08.pdf). Visited on[06.02.2017].
- Joel H.samuels(2006), condominium arrangements in international practice. Michigan journal of international law, vol, 29, summer 2006
- Khazar expl.&prod, Statistical surveys hydrocarbon resources of Caspian region,2007,available at: [Http://www.kepco.ir/Default.aspx?tabid](http://www.kepco.ir/Default.aspx?tabid),visite on[10.03.2017].
- Land, Island and maritime frontier dispute, (Elsalvador, Honduras, Nicaragua intervening), I.C.J.(1992)Reports, P589,Par385, available at: <http://www.icj.cij.org/docket/files/75/6671.pdf>
- Gafouri, M. (2008), The Caspian sea: rivalry and cooperation, Middel east policy, vol. x.v, No2, Summer 2008
- North Sea Continental Shelf cases. I.C.J, Report (1969) Official records of the general assembly, sixty. forth session, supplement No 10 (A/64/10).
- Martens (1904), Rustam F Mamedov,International legal status of Caspian sea, (The Turkish year book vol xxx),p116,quted from: F.F.Martens, (modern International law of civil nations, vol I, 5 thed, St petersburg, 1904).
- United nations convention on the low of the sea.Year book of the international law commission, 1974, vol II, part two.
- Year book of international law commission,1956. : <https://www.un-ilib.org/content/series/24121525> Available at